

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز داستان زندگی ما انسان ها در تک تک گردنه ها و بالا و پایین هایش اینطور که با مطالعات شما و در کُل به قدر خودم فهمیدم، می شود مواجهه حقیقت (به اسمایش) با توهماتی بنام کبر و غضب و... نمی‌دانم چقدر این لغت در اینجا درست باشد گویا جنگ و نبردی است. حال سوالی که ممنون می شوم راهنمایی بفرمایید اینکه حُب حقیقتا ما شر و پلیدی در کل نداریم و این برداشت های اشتباه و جهل ماست که اینجور از روزگار و وقایع شر و پلیدی برداشت می کند. حال سوالم اینکه شر و کبر و غضب و... که در حقیقت نیست، وقتی ما دچار ترس و غضب و.. می شویم وضعیت ما در هستی کجاست؟ یعنی در آن حال آن قسمت از نفس ما چون در این مرتبه عالم که نزدیک عدم است باز فرصت باقی ماندن دارد؟ یعنی در آن حالات اضطراب که آن طور انسان به لرزش و تب و تاب می افتد در چه وضعیتی و نسبت و جایی است؟ ممنون می شوم راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! آن نوع ترس و غضب که ریشه در توهّمات انسان‌ها دارد، حکایت عدم حضور آن‌ها می‌باشد در مأوای وجود و هستی؛ و به همان اندازه عملاً آن‌ها در عدم و نیستی حاضرند و احساس این عدم و نیستی در جایگاه خود، حکایتی است که اگر در این دنیا با رجوع به توحید از آن عبور نشود، با ابدیتی روبه‌رو می‌شویم که قرآن تحت عنوان «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» از آن خبر داده است. موفق باشید